

سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیگ: رمانی تاریخی یا بیانیه‌ای اعتراضی؛ بازخوانی اسنادی از شکایت مهاجرین قفقاز از کنسول‌گری ایران

ساره عسگری

«... اگر دولت ایران بودی، در مملکت خود قانون و نظام و مساوات داشتی، رعیت را به حکام به قیمت حیوانات نفروختی، هر آینه ما متحمل تحکم بیگانگان - که دشمن همه چیز ما هستند - نشده، به سوی ایران هجرت می‌نمودیم.»

سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیگ

منطقه قفقاز از روزگاران پیشین و تا زمان فتحعلی‌شاه قاجار همواره جزیی از خاک ایران یا محل مناقشه این کشور با قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای بوده است. در زمان حاکمیت فتحعلی‌شاه قاجار و طی قراردادهای ترکمنچای و گلستان، قفقاز برای همیشه از ایران جدا گردید. اما پیشرفت‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری قفقاز، این منطقه را به یکی از کانون‌های مهاجرت ایرانیان تبدیل نمود. به طوری که در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم مهاجرانی به صورت کارگران روزمزد و یا مشاغل دون پایه و تعدادی به تجارت دائم یا موقت پرداختند.

علت پدیدهٔ مهاجرت به منظور کسب کار را باید در درون مرزها جست؛ فروپاشی نظام اقتصاد سنتی و به همراه آن خانه خرابی دهقانان و پیشه‌وران، به رهایی و بیکاری نیروی کار، بویژه دهقانان، منجر شد. موقعیت خاص تاریخی - جغرافیایی اقتصاد ایران در زمان ادغامش در نظام جهانی چنان بود که نیروی کار مازادی که از بخش‌های سنتی آزاد می‌شد نمی‌توانست از طریق استخدام در بخش‌های جدید دوباره

جذب اقتصاد شود، در نتیجه نیروی کاری که از بخش‌های سنتی آزاد می‌شد راهی جز رفتن به مهاجرت نداشت.^۱

چشم‌گیرترین بخش این مهاجرت‌ها به ایالت‌های جنوبی امپراتوری روسیه بود که در آن‌جا سرمایه‌داری رو به گسترش و به سرعت رو به رشد بود. این الگوی رشد مهاجرت ایرانیان در واقع بازتاب روبه‌وخامت اقتصاد ایران طی نیمه قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. به گفته شاکری نخستین مهاجرت‌ها آنها بیست که کنسولگری‌های خارجی در ایران ثبت کرده‌اند؛ نخستین گزارش از چنین گزارش‌هایی را ابوت کنسول بریتانیا در ۱۸۵۵م. / ۱۲۳۴ق. تهیه کرد و «از تعداد ۳۰۰۰ روادیدی که کنسولگری روسیه در تبریز ظرف دو ماه در همین سال برای کارگران مهاجر صادر کرد در شگفتی شد. در ظرف سه سال تعداد روادیده‌های صادر شده برای کسانی که مایل به کار در قفقاز بودند به ۴۸۵۲ مورد رسید. تا دهه ۱۲۶۰ق. حضور ایرانیان در قفقاز چنان زیاد بود که نمی‌توانست توجه مسافران خارجی را به خود جلب نکند... به گفته مسافر فرانسوی، ارسول، در ۱۲۶۴ق. بین ده تا دوازده هزار ایرانی در تقلیس اقامت داشتند... به گمان او، اکثر مهاجران ایرانی را تجار تشکیل می‌دادند.»^۲

گرچه از فراوانی این مهاجرت‌ها آمار دقیقی در دست نیست اما اگر در نظر آوریم تنها یک دهه جلوتر، بیش از سیصد نفر از مهاجران ایرانی در منطقه باکو اقامت نداشتند، به رشد سریع تعداد آنها پی می‌بریم. مراغه‌ای، مؤلف سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ، در آغاز قرن بیان می‌کند که حدود شصت هزار ایرانی در نواحی مختلف قفقاز مشغول به کار بودند.^۳ در عین حال ایرانیان باکو در همین زمان (۱۲۸۵ش.) در نامه‌ای به یکی از مجتهدین بزرگ تهران که طرفدار جنبش مشروطه بود، اظهار داشت که آنها حدود پنجاه هزار نفر بودند که بر اثر ظلم و ستم مقامات دولتی «کشور، خانواده و تعلقات» خود را ترک گفته‌اند و اکنون در باکو به کسب و کار یدی مشغول بودند. آنان همچنین مدعی شدند که تعداد ایرانیان مقیم امپراتوری روسیه به یک میلیون نفر می‌رسید.^۴

همچنین طبق اسناد و مکاتبات کنسولگری‌های ایران در قفقاز، شهر بادکوبه و اطراف آن بیشترین تعداد مهاجران ایرانی را در خود جای داده بود. کنسولگری ایران در بادکوبه تعداد ایرانیان مهاجر در آن شهر را ۶۰ هزار نفر تخمین زد که حدود هزار نفر از آنها به تجارت و بقالی مشغولند و مابقی در کارخانه‌ها و دهکده‌ها فعلگی می‌کردند.^۵

۱. شاکری، خسرو؛ پیشینه اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران، اختران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۱۵.

۳. مراغه‌ای، زین‌العابدین، سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ، به کوشش محمدعلی سپانلو، تهران، آگه، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۱۹.

۴. کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعید سیرجانی، ۳ج، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۳۵۹.

۵. دهنوی، نظام‌علی، ایرانیان مهاجر در قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ص ۸.

چنانکه اشاره شد آمار دقیقی از مهاجران ایرانی وجود ندارد اما حکیمیان که تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه دارد برآورد کرده است که ۱۰۰ هزار ایرانی در سال ۱۹۰۰م./۱۲۷۹ش. در روسیه اقامت داشتند. این تعداد در ۱۹۱۳م./۱۲۹۲ش. به ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر رسیده که همگی مقیم آن سرزمین بودند. حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر هم هر ساله برای کار به روسیه می‌رفته ولی اقامت دائم نداشتند.^۱

به هر روی، پیشرفت صنعتی منطقه قفقاز جاذبه فراوانی برای ایرانیان بیکار و تهیدست و رنجور از بلایای طبیعی و فشار حکام خودکامه در پی داشت، بنابراین سیل مهاجرت ایرانیان به منطقه قفقاز همواره رو به افزایش می‌نهاد. حضور گسترده و روز افزون مهاجران ایرانی و اقامت آنها به مدت زمان طولانی در قفقاز موجب شد تا برخی ترقی‌خواهان ایرانی از اقشار مختلف، به ویژه تجار و تنی چند از کنسول‌های ایران به تشکیل انجمن‌های خیریه و تأسیس مدارس در آن منطقه اقدام نمایند.

بی‌شک مهم‌ترین و پایدارترین پی‌آمد این مهاجرت گسترده تأثیر سیاسی آن بر جامعه ایران بود. خود عرضه نیروی کار ارزان مهاجران ایرانی در بازار کار روسیه، بویژه در قفقاز، بر دستمزدها و روابط کار تأثیر مستقیم داشت. وضع اسفبار مهاجران ایرانی، آمادگی ایشان برای کار در هر وضعیتی و با هر دستمزدی، و سطح پایین آگاهی سیاسی آنان از طرف کارفرمایان روسی - قفقازی و کشاورزان سرمایه‌دار، که آنان را به کارگران محلی ترجیح می‌دادند، مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت.^۲

در بندر حاجی‌طرخان جمع کثیری از اتباع ایرانی در اسکله‌ها به حمل و نقل بار در کشتی‌ها مشغول بودند و مشاغل دون پایه داشتند. اغلب ایرانیان مهاجر در بندر حاجی‌طرخان یا رسیدن فصل سرما و یخ‌زدن رودخانه ولگا به ایران باز می‌گشتند.^۳ قابل ذکر است خاستگاه منطقه‌ای و جغرافیایی این مهاجرین بیشتر از منطقه آذربایجان بود، به خصوص شهرهایی چون قراچه داغ، سراب، اردبیل و ارومیه.

به گفته بلووا، فرماندار الیزاوتپل، اکثر مهاجران، مردم فقیری بودند که صدها کیلومتر پیاده راه پیموده و مخفیانه از مرز گذشته بودند. وی می‌نویسد: «ایرانی بینوایی که در وطنش دولت او را چاپیده و غالباً حتی یک پول سیاه در جیبش نیست، صبح که می‌شود مطمئن نیست که در طول روز بتواند چیزی بخورد، و نمی‌داند شب که شد کجا بخوابد. چنین مرد بینوایی گرسنگی کشیده‌ای که در مسیرش به روسیه به ندرت لقمه نانی گیرش می‌آید، وقتی مأیوس و در هم شکسته از مرز رود ارس می‌گذرد، به دنبال هدف رؤیایی‌اش می‌گردد، یعنی کار در قره‌باغ، گنجه، نوهو و غیره.»^۴

مهاجران ایرانی منطقه قفقاز از همان ابتدا با اوضاع طاقت‌فرسایی مواجه می‌شدند، به طور مثال در گنجه نایب کنسولگری ایران در آن شهر به عللی از جمله پراکندگی اتباع ایرانی مقیم آن منطقه در مزارع

۱. به نقل از فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، چ ششم، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱.

۲. شاکری، ص ۱۲۶.

۳. دهنوی، ص ۱۳.

۴. به نقل از شاکری، ص ۱۲۱.

و روستایی دوردست از حقوق ضایع شده آنها حمایت نمی‌کردند.^۱ اهالی قفقاز، مهاجران ایرانی را به دیده افراد مزاحم و سربار می‌نگریستند که از امکانات اجتماعی و اقتصادی منطقه برخوردار می‌شدند و در مقابل به فساد و بزهکاری دامن می‌زدند.^۲

جعفر پیشه‌وری که خود روزگاری طولانی در آن منطقه حضور داشته است درباره دیدگاه قفقازی‌ها نسبت به مهاجران ایرانی می‌نویسد: «قفقازی‌ها و اهالی محل ایرانی را همشهری خطاب می‌کردند و او را پست و حقیر می‌شمردند. حتی خود همشهری نیز برای خود شخصیتی قائل نبود. او را تحقیر می‌کردند و در رستوران‌ها، ترن‌ها و محل‌های تفریح اجتماعی راه نمی‌دادند. همشهری از برده و غلامان دوره اسارت پست‌تر و حقیرتر بود. او مانند حیوانات کارگری بود که برای کار کردن، زحمت کشیدن و کتک خوردن خلق شده بود. خود او همه این‌ها را تحمل می‌کرد. زیرا در میهن خود از این پست‌تر و از این بی‌حقوق‌تر بود، کار هم گیرش نمی‌آمد و زحمت بازوانش هم خریدار نداشت.»^۳

اتباع ایرانی در قفقاز از اقدامات و عملکرد مأموران کنسول‌های ایرانی نیز در امان نبودند. بنا به نوشته روزنامه ثریا، «آنها چون فرآش‌ها از قونسولخانه ببینند، خود را پنهان کنند و به دکاکین خارجی پناه برند.»^۴ روزنامه ایران‌نو خبر داد که حتی حقوق بیمه عمر که به کارگرانی که در معادن یا کارخانه‌های قفقاز کشته می‌شدند تعلق می‌گرفت، به بستگان‌شان در ایران مسترد نمی‌شد، بلکه کارکنان کنسولگری آن را ضبط می‌کردند. کارکنان کنسولگری غالباً نقش واسطه را بین تازه از راه رسیدگان و صاحبان کارخانه و معدن بازی می‌کردند. گفته می‌شد که این مقامات با تبانی با کارخانه‌داران، که پایین‌ترین دستمزدها را به تازه‌واردانی که از بازار کار کاملاً بی‌خبر بودند می‌پرداختند، به ثروت‌اندوزی مشغول بودند.^۵ به بیانی کارگزاران ایرانی در قفقاز به جای حمایت از حقوق اتباع ایرانی در مقابل دریافت مبالغی از کارفرمایان و اتباع روس، حقوق آنها را زیر پا می‌نهادند و جانب خارجی‌ها را می‌گرفتند. ژنرال کنسولگری ایران در کل قفقاز نیز به این امر اعتراف می‌کند که «اگر چنانچه بین اتباع ایران و روس واقعه‌ای رخ می‌داد، مأموران ایرانی جانب اتباع خارجی را می‌گرفتند.»^۶

مراغه‌ای در اثر بی‌نظیر خود اشاره می‌کند که قریب شصت هزار نفر از مهاجران ایرانی در قفقاز زندگی می‌کنند که سبب مهاجرت و جلای وطن آنها را «کم درآمدی مملکت ایران و بی‌کاری مردم و تعدی زبردستان در حق زبردستان و بی‌صاحبی رعیت که اینان را به خاطر یک تومان پول تذکره، بیسؤال و جواب به ممالک خارجه سر می‌دادند» می‌داند و ادامه می‌دهد «کسی نمی‌پرسد به کجا می‌روی و چه کار داری؟

۱. دهنوی، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۲۱.

۳. پیشه‌وری، جعفر، تاریخچه حزب عدالت، تهران، علم، ۱۳۵۹، ص ۱۶-۱۵.

۴. روزنامه ثریا، سال دوم، شماره ۱، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷ق، ص ۱۱ به نقل از دهنوی، ص ۲۳.

۵. روزنامه ایران‌نو، شماره ۱۳۷، ۱۲۸۹ش، به نقل از شاکری، ص ۱۲۳ - ۱۲۲.

۶. دهنوی، ص ۲۴.

این است که در قصبه‌ها و دهات حوالی دور و نزدیک سرحدات، در قبرستان‌ها و سنگ قبور کمتر نام مرد دیده می‌شود، همه نام زن است، گویی شهر زنان است.»^۱

مراغه‌ای همچنین به وضعیت اسفبار قونسولگری ایران در قفقاز و بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به مردم و سوءاستفاده‌های آنها می‌پردازد و در این باره می‌گوید «... هر قونسولی در هر جا دلش خواست هی تذکره است [که] چاپ کرده می‌فروشد. حال به ایرانی هم قناعت نکرده هر دزد و دغل و بی‌سربازی از تبعه خارجه هم بخواد، یکی دو منات زیاد گرفته تذکره می‌دهند. آن هم رفته به نام ایرانی انواع خباثت و جنایات را ارتکاب می‌کند، وقتی که به دست حکومت روسی افتاد به اندک تفتیش و تجسس معلوم می‌شود که تذکره او ساخته [ساختگی] است. آن وقت باید ملاحظه کرد از شئون دولت در انظار بیگانه تا چه پایه می‌کاهد و آن قونسول را در نظر آنان چه موقع و مکاتبتی باقی می‌ماند!»^۲

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ که به عنوان یک رمان تاریخی شناخته می‌شود و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به رشته تحریر درآمد، صرفاً یک رمان نیست و یکی از اثرگذارترین متون در تنویر افکار ایرانیان می‌باشد. که به نقد وضعیت اجتماعی ایران در دوره قاجار می‌پردازد، این کتاب در واقع «یک بیانیه تفضیلی علیه وضع موجود بود و الحق باید اذعان داشت که [وی] در این کار سعی مشکوری داشت»^۳ هر چند شخصیت‌های این کتاب و حوادث و اتفاقات رخ داده در آن خیالی است اما هیچ کدام از آنها غیرواقعی به نظر نمی‌رسد و در واقع این کتاب آینه تمام نمای وضعیت اجتماعی - سیاسی ایران در آستانه مشروطه است.

اسنادی که در پی می‌آید مربوط به شکایت یکی از مهاجران ایرانی از قونسولگری ایران در قفقاز می‌باشد و در واقع مهر تأییدی است بر واقعی بودن حوادث کتاب مراغه‌ای و توصیفات وی درباره ایرانیان مهاجر قفقاز. در این اسناد خواهیم دید که چگونه فساد مالی کنسولگری ایران در قفقاز مانع از واگذاری اموال شخص متوفی به ورثه‌اش می‌گردد. همانگونه که در گزارشی مشابه از روزنامه ایران نو به آن اشاره شد. و همچنین خواهیم دید که شکایات پی در پی ورثه مزبور از کنسولگری ایران در قفقاز از طریق مجلس شورای ملی و پیگیری این شکایات توسط مجلس از وزارت امور خارجه در نهایت نتیجه متقنی برای شاکی - که در اثر عسرت و تنگدستی در دارالایتام ادامه حیات می‌دهد - نخواهد داشت.^۴

۱. مراغه‌ای، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. اکبری، محمدعلی، چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار، تهران، روزنامه ایران، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳.

۴. اسناد مجلس شورای ملی، شماره بازیابی: ۴/۲۳/۱۰/۱۹.

کتابت دارالاسرار لاهور



براحت مکتوبه کسر کردی شکرانه از آن
خبر منم از دست تو
بدرست

۱۹

که از آرزوی تو بگویم این همه شرح و دردا
خبر از درون تو
بدرست

و بنده و درین در بلاد و درین روز و در وقت
تقصیراتی که درین روز و در وقت
بدرست

بگویم که که در هر دو روز و در وقت
بدرست

در وقت که در هر دو روز و در وقت
بدرست

خوبی از روز و در وقت که در هر دو روز و در وقت
بدرست

بدرست

بدرست

بدرست

بدرست

بدرست

بدرست

بدرست

بدرست

[سند شماره ۱: نامه محمدعلی تبریزی به مجلس شورای ملی در شکایت از داوودخان، قنصل قفقاز، مبنی بر تصرف ارثیه‌ای که از مشهدی خلیل تبریزی - مشهور به محمدبیگ‌زاده - دایی وی، به او رسیده است.]

آدرس: دارالایتام آقای محمدعلی

به ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه مشهدی خلیل معروف به محمد بیگ‌زاده که از اقارب نزدیک این بنده مشهدی محمدعلی و دارای چند هزار تومان ثروت و مایملک بود و بنده و ایشان در بلاد قفقاز ساکن و متوطن بودیم و وارث بالانفرد مشهدی خلیل؛ یک پسر بود موسوم آقاجان که او هم در نزاع ارمنی و مسلمان مقتول و به موازین شرعیه بعد از قتل آقاجان وراثت آن مرحوم به این بنده تعلق گرفت. نظر به این که هستی و دارایی و طلاآت مشهدی خلیل در نزد آقا تقی سلیمان‌وف به رسم امانت بود و در انقلاب بلاد قفقاز آقا تقی سلیمان‌وف هم مقتول و کلیه اشیاء و مخلفات و طلاآت در نزد آقا حسین پسر آقا تقی سلیمان‌وف مانده بود، بر حسب تظلم این بنده، آقای داوودخان، قنصل بلاد قفقاز، اشیاء مزبور امانتی در نزد آقا حسین را، که ارثاً متعلق به این بنده بود تمام و کمال از مشارالیه دریافت و در قونسولخانه توقف نمودند. به موجب نوشته‌ای که از داوودخان در نزد بنده است، چندین مرتبه در قونسولخانه رفته مطالبه حق الارث خود را نمود همه‌اش به مسامحه و تعلل گذشت. تا این که اشیاء را پیدا کرد، چه با خیال حمله و دست‌اندازی به رعایا. بنده یک وقت ملتفت شدم که داود خان بدون آن که اشیاء مزبوره و حق الارث این بنده را که در قونسولخانه توقیف بود بدهد، به طرف تفلیس رفت. چند روز بود که بلژیک‌ها بلاد قفقاز را اشغال نمودند، به واسطه انقلابات داخلی و بهم‌خوردگی شهر از شدت وحشت و هراس، با عیال و اطفال خود در کمال سختی و بدبختی پیاده‌رو به طرف ایران روانه، بعد از تحمل شدید و هزار گونه مصائب با یک حالت رقت‌آمیزی به طهران و از شدت استیصال و اضطراب با عیالات خود چندی است در دارالایتام اعاشه می‌نماییم چون به هیچ‌وجه ملجاء و پناهی ندارد. شرح حالت خود را به ساحت مقدس مجلس شورای ملی که اغاثه ملحوفین و دادرسی مظلومین را می‌نماید به عرض برسانیم که استرحاماً نسبت به این ظلم فاحش و بی‌اعتدالی که از طرف داوودخان به این بنده وارد شده عطف توجهی فرمایید، که احقاق حق این بنده به ای نحو کان بشود.

[حاشیه سمت راست: به وزارت خارجه مراجعه شود که در این باب تحقیقات کافیه نموده در صورت صدق از تعدیات مأمورین جلوگیری نموده آسایش متظلم بیچاره را بخواهند. اول دلو ۱۳۰۰ [امضا] علی

حاشیه بالا: مهر عراقیض، ۳۰/۱۰/۲۶ [۱]

بیت‌المقدس ابراهیم بیگ

۱۳۰۶/۱۲/۱۰

در تقیبه و ایضاً... که در موضوع...
که در...
معمود...
معمود...
معمود...

معمود...
معمود...
معمود...
معمود...
معمود...
معمود...
معمود...
معمود...
معمود...
معمود...

علامه...
علامه...
علامه...
علامه...
علامه...
علامه...
علامه...
علامه...
علامه...
علامه...

[سند ۲: نامه مشهدی محمدعلی تبریزی به مجلس شورای ملی مبنی بر اظهار عسرت و پریشانی خود و تقاضای رسیدگی به شکایت او از داوودخان، قونسول قفقاز در خصوص اعادهٔ اموال موروثه متعلق به وی]

به ساحت مقدس مجلس شورای ملی دامت عظمته
در تعقیب عریضه مظلومانه که در موضوع اشیاء و طلاآلات و ماترک حق الارث خود که داودخان،
قونسولی بلاد قفقاز تصاحب نموده‌اند و از میان برده، نوشته و مشارالیه در نزد این بنده ضبط و موجود
است. مجدداً خاطر محترم ریاست مجلس و وکلای عظام کثرت‌الله امثالهم را به مظلومیت خود جلب نموده و
عاجزانه استدعا می‌نماید که برای رضای خدا دادرسی از این بیچاره آواره وطن که از شدت الحاء و اضطراب
در دارالایتام دولتی اعانت می‌نماید فرموده به وزارت جلیله خارجه امر فرمایید که به عرایض بنده رسیدگی
و اسنادی که در دست است ملاحظه و بعد از ثبوت حقانیت بنده استرحاماً احقاق حق نموده، امر به استرداد
اثاثیه و اسباب این بنده که در نزد داود خان [است] بفرمایید. مشهدی محمدعلی
[حاشیه سمت راست:] در وزارت جلیله وزارت امور خارجه مطالبه جواب شد. دهم حوت ۱۳۰۰ [امضا]

محمدعلی

[حاشیه بالا مهر:] عرایض ۳۰۰/۱۲/۷



[سند شماره ۳: نامه مجلس شورای ملی به وزارت امور خارجه به منظور تحقیق و رسیدگی به شکایت محمدعلی از قونسول بلاد قفقاز]

[نشان شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

تاریخ ارسال ۳ برج حمل ۱۳۰۰

عنوان کاغذ: وزارت جلیله امور خارجه

مشروحاً به امضای محمدعلی نام در شکایت از داوودخان، قونسول قفقاز، به مجلس شورای ملی رسید که سواد آن لفاً ارسال می‌شود تا مراتب را رسیدگی، در صورت صحت اظهارات قرار رفع شکایت و حصول آسایش عارض صادر و از نتیجه مجلس شورای ملی را مستحضر فرمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



۹۰/۱۳/۲۷



وزارت امور خارجه

اداره منبر دانه

مورخه ۲۵ صفر ۱۳۰۰

نمره ۵۹۴ - ۶۲۴۲

ضمیمه -

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مردود محرمه نمره (۵۳۰۴) که رابع کفایت شهدی محمد علی
 مرقوم رقم در ضمن مردود کفایت شرافیه زین صمد داد خود
 حاضر محرم رد مستخرمه لایحه لایحه و غیر مردود لایحه مراتب
 بنامند که سایر دولتمند در نفس ابدی مردود حوضه شهدی محمد علی
 فرستاده شده که کفایت لازم از نظر لایحه لایحه لایحه لایحه
 صاحبی طرفان است نموده نموده را اطلاع چه بدی است پس از
 رسیدن جواب مراتب را با کفایت طرفان را اطلاع رسانند.
 مجدد هم بنامند که سایر نفس در کفایت رسانند.

۱۰
۱۹



۱۰ - ۱۶

جواب در نفس ابدی مردود صفر ۱۳۰۰

سند شماره ۴

پیام بهارستان / س. ۲۰، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

[سند شماره ۴: پاسخ وزارت امور خارجه به نامه مجلس شورای ملی مبنی بر انجام تحقیقات از نصره‌الوزاره، قونسول حاجی طرخان در خصوص صحت اظهارات محمدعلی]

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

مورخه ۲۵ حوت ۱۳۰۰

نمره ۵۶۳ - ۶۲۴۲

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مرقومه محترمه به نمره (۵۳۰۴) که راجع به شکایت مشهدهی محمدعلی مرقوم رفته بود به ضمیمه سواد شکایت مشارالیه زیب وصول داد. جواباً خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که پس از وصول مرقومه اولیه مراتب به فوریت به نمایندگی سیاسی دولت علیه در تفلیس ابلاغ، سواد عریضه مشهدهی محمدعلی فرستاده شده که تحقیقات لازمه از نصره‌الوزاره که فعلاً قونسول حاجی طرخان است، نموده نتیجه را اطلاع دهد. بدیهی است پس از رسیدن جواب مراتب را به استحضار خاطر عالی خواهد رسانید. مجدداً هم به نمایندگی سیاسی تفلیس در تسریع تحقیقات تأکید شد.

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه بالا]: [مهر: عرایض، ۱۲/۲۷/۱۳۰۰] [۱]

[حاشیه پائین]: جواب به عارض ابلاغ شود، حمل ۱۳۰۱، [امضا: ناخوانا]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[سند شماره ۵: نامه داوود خان نصره‌الوزاره، قونسول حاجی طرخان به نماینده سیاسی دولت ایران در گرجستان در خصوص ادعای محمدعلی تبریزی]

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

سواد: مشروحه نصره‌الوزاره به نمایندگی سیاسی

مورخه: بیستم رجب سی و نه

مقام محترم نمایندگی سیاسی دولت علیه در گرجستان

مرقومه نمبر ۴۱۸۳ که محتوی مراسلات وزارت امور خارجه دامت شوکته به ... [ناخوانا] است و اینک مراتب را به استحضار خاطر عالی می‌رساند. مشهدی خلیل مرحوم به قرار معلوم در زمانی که برای اولین فرموده بلشویک‌ها شهر ولادی قفقاز را مسخر نموده بودند، فوت و بواسطه معلوم نبودن ورثه سند و کالتش نزد آقای تقی سلیمان اوف مرحوم به رسم امانت گذاشته شده بود در موقعی که قوای بلشویک شهر ولادی قفقاز را پس از یکسال و اندی تصرف نمود، به واسطه اغتشاش اوضاع، آقا حسین، ولد تقی آقا سلیمان اوف و اشیاء متعلقه به مشهدی خلیل را پس از کشته شدن آقا تقی به قونسولگری تسلیم نموده، موافق صورتی که در دفتر قونسولگری ولاد قفقاز ضبط بود، قبض رسید گرفت. پس از چندی به طوری که خاطر محترم مستحضر است، قونسولگری ایران در ولاد قفقاز و سایر شهرهای روسیه از طرف حکومت ساوت بسته شد و کارکنان آنها توقیف و محبوس گردیدند. دو ماه حال بدین منوال بوده و جمله اسباب‌ها و اشیاء متعلقه به اعضاء دولت و ائاثیه ضبط و مصادره گردید، بالاخره محبوسین متخلص و اشیاء شخصی و دولتی و ائاثیه و اینیه قونسولگری‌ها مسترد گردیدند. ولی چنانکه در راپرت‌های مفصله معروض افتاده بسیاری از اشیاء مزبوره حیف و میل و از میان رفته و موافق صورتی که به مقام محترم سفارت کبرای فوق از مسکو تقدیم داشته، مقدار زیادی ائاثیه دولتی و شخصی متحدین و بنده هنوز مسترد نگشته‌اند، به مناسبت این که دیگر دفتری برای قونسولگری بلادی قفقاز مابقی نمانده و به کلی از میان رفته است، تعیین صورت جمع و ریز اشیاء مشهدی خلیل مرحوم غیر ممکن و فقط ممکن است از آقا حسین، ولد آقا تقی سلیمان اوف به غایت ممکنه تحصیل نمود. و اینک که نه قطعه اشیاء متعلقه به مشهدی خلیل را که در موقع استرداد اموال از طرف (چرز مهپان کاملیه) [اسم شخص] تسلیم بنده شده تحویل اداره نمایندگی سیاسی داشته و مطالبه سایر متعلقات آن مرحوم را به اقدامات دولت علیه منوط می‌داند. استنکاف بنده در تحویل اشیاء مشهدی خلیل مرحوم به محمدعلی خان، منطقی و صحیح است. به جهت این که مشهدی خلیل یک سال قبل از مأموریت بنده مرحوم شده بود، هیچ‌یک از همکاران سلف به واسطه عدم ثبوت وصول محمدعلی نام حاضر به تسلیم اشیاء مزبوره به محمدعلی نشد و نهایتاً نزد آقا تقی سلیمان اوف در دوسیه مرحوم ضبط بودند و این که امروز هم باید نهایت دقت در مدعی او شده و معین گردد که واقعاً وارث بالاستقلال او است و یا این که کس دیگری تعیین و یا... [ناخوانا] که معروضات فوق را به استحضار مقام رفیع وزارت جلیله امور

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ: رمانی تاریخی یا بیانیه‌ای اعتراضی؛ بازخوانی اسنادی... / ساره عسگری

خارجہ دامت شوکت خواهند رسانید. بیستم رجب ۱۳۴۰.

[حاشیہ:] سواد مطابق اصل است.

[مهر] وزارت امور خارجہ

[امضا] داوود

سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ
« یا بلای تعصب او »

منفعت کتاب وقف یکی از مکتبهای ملی ایران است
« قیمت »

	عروش
در معبر	۱۲
در ممالک ایران	۰.۵
در ممالک روس	۱
هندوستان	۲

در معبر قاهره طبع شد



وزارت امور خارجہ

ادارہ برسر
وزارت امور خارجہ
دورخانہ برسر
نمبر ۱۳۶۰

تقاضی سے مذکورہ جملہ امور

مردم با بریل (۱۳۳۱) کے لئے
۶۳۰

مذکورہ جملہ امور کے لئے
مذکورہ جملہ امور کے لئے

مذکورہ جملہ امور کے لئے
مذکورہ جملہ امور کے لئے

مذکورہ جملہ امور کے لئے
مذکورہ جملہ امور کے لئے

مذکورہ جملہ امور کے لئے
مذکورہ جملہ امور کے لئے

[سند شماره ۶: نامه احمد امین‌زاده به وزیر امور خارجه مبنی بر تأیید اظهارات نصره‌الوزراه در خصوص اموال مشهدی خلیل بیگ]

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

سواد: مشروحه نمایندگی‌های تفلیس

مورخه ۲۸ رجب ۱۳۴۰

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه مبارکه نمرة ۸۳۳۸/۴۳۰ زیارت مراتب حسب‌الله به آقای نصره‌الوزراه ابلاغ گردید. این که سواد عریضه جوابیه ایشان را برای استحضار خاطر مبارک تقدیم و مستدعی است تکلیف مشارالیه را که توسط آقای نصره‌الوزراه تحریر داده شود، معین فرمایید که موافق روالی عالی رفتار بشود.

احمد امین‌زاده

[حاشیه: سواد مطابق اصل است

[امضا: ناخوانا]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



وزارت امور خارجه

اداره رنبر داذره

مورخه ۱۲ فروردین ۱۳۰۱

نمره ۵۹۰ - ۱۲۲۵۲

ضمیمه - ۳ فروردین

ع.ع.ع.ع.
۱۲/۱/۱۲

ریت تمهید سردری

در تقیبه مرید سید جلیله ۵۹۳ / ۶۲۲۲ / ۶۲۲۲ / ۶۲۲۲
تعلیق در اول شرفه دنا تریا والوفاقی نصره الزلزه و غیره...
بضمیمه برود صورت بهینه مارک شهم غدی تریه زلال...
تسکری شید فقط به طور در وقت نزدان مارک تریه...
تیم نزد آهسته بر لذت در وقت در وقت...
دردن مارک تریه شهم رادیه در وقت...



پیشگاه علوم انسانی مطالعات تربیتی
پرتال جامع علوم انسانی
معدود ۱۹۰۰ / ۱۹۰۰ / ۱۹۰۰

۱
۱۹

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰ / بهار ۱۳۸۹

[سند شماره ۷: جوابیه وزارت امور خارجه به مجلس در خصوص ادعای مشهدی محمدعلی به ضمیمه فهرست اموال مشهدی خلیل مستوفی که در نزد داوود خان به امانت سپرده شده بود.]

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

مورخه ۱۲ ثور ۱۳۰۱

نمره: ۶۶۰-۱۲۲۵۲

ضمیمه: ۳ فقره سواد

ریاست محترم مجلس شورای ملی

در تعقیب مراسله جوابیه ۶۲۴۲/۵۶۳ سواد راپرت نمایندگی تفلیس و مواد مشروحه آقای میرزا داود خان نصره‌الوزاره قونسول سابق ولاد قفقاز را به ضمیمه سواد صورت بقیه ماترک مشهدی خلیل متوفی ارسال داشته ضمناً خاطر عالی را متذکر می‌شود فقط به دعوی وراثت نمی‌توان ماترک متوفی مزبور را [به] مشهدی محمدعلی تسلیم نموده، البته پس از ثبوت وراثت در محکمه صالحه به نمایندگی سیاسی تفلیس در تصرف و اول ما ترک آن مرحوم به مشارالیه دستورالعمل صادر خواهد شد.

[مهر: وزارت امور خارجه

امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا: عرایض ۱۰، ۱۳/۲/۱۳۰۱

[حاشیه پایین: مفاد جوابیه به عارض ابلاغ شود، ۱۸ ثور ۱۳۰۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



وزارت امور خارجه

اداره ثبت اسناد و کتابخانه ملی
سوادکسر، تهران
مورخه

تاریخ: ۱۳۴۰

- ۱ - عت کریم صبر زفانه طله با چهر برینت کریم -
- ۲ - دکنه طله با سرینت کریم -
- ۳ - ناره کریم -
- ۴ - " طله مار زفت بر پست نکر -
- ۵ - کت صفت کتله طله با پنه برک صفت کریم -
- ۶ - کت کتله کریم طله پنه قرز -
- ۷ - پشتر طله مدرف بر طرز، رنر پنه -
- ۸ - " " پنه -
- ۹ - زفت بر معلوم دھفاز با پنه مد کریم، کت پنه -
- ۱۰ - نکر -

۱۳۴۰ سن و کتله
پرواز مهر

[سند ۷/۱: لیست اشیای متعلق به مشهدی خلیل مرحوم مطابق قبض رسید که به نصره‌الوزراه داده شده است]

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

سواد: قبض رسید که به نصره‌الوزراه داده شد

اشیای متعلق به مشهدی [به مشهدی] خلیل مرحوم:

۱. ساعت کوچک جیبی زنانه طلا با چهار بریلیانت کوچک

۲. دستبند طلا با سه بریلیانت کوچک

۳. سنجاق گل طلا

۴. سنجاق طلا برای زینت سر با بیست سنگ قیمتی

۵. یک جفت گوشواره طلا با یک نگین بزرگ و ۳۸ سنگ کوچک

۶. یک لنگه گوشواره طلا با نگین قرمز

۷. انگشتری طلا معروف به طرز مارکیز با نگین‌های متعدد

۸. انگشتری طلا با نگین.

۹. اسباب زینت سر معموله در قفقاز با یکصد عدد پولک‌های سکه مانند.

۱۰. ندارد.

اشیای فوق توسط آقای نصره‌الوزراه به داوود، نمایندگی سیاسی در تاریخ بیستم رجب ۱۳۴۰ تسلیم و تحویل شد.

سواد مطابق اصل است، [امضا: ناخوانا]

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

[سند ۸: نامه محمدعلی به رئیس مجلس شورای ملی مبنی بر عدم توانایی وی برای سفر به قفقاز جهت اخذ مواریث متعلق به وی که در دست داوودخان سپرده شده و اظهار دلایل خود]

حضور محترم رئیس کل دارالشورای ملی ایدالله بقائهم

محترماً معروض می‌دارد در موضوع این که در قفقاز روسیه کمترین، مشهدی محمدعلی تبریزی در زمان بلشویک‌ها بعضی از طلاآلات به موجب ذیل به اطلاع یک نفر آقا حسین نام سلیمانوف سلماسی از ترس این که بالشوویکان ارمنی بگیرند، به قونسولگری جناب داود خان قونسول به رسم امانت سپرده و سندی هم از آنان گرفته و خود قونسول هم از آن محل رفته بود به بادکوبه. بعد از ساکت شدن اغتشاش بالشوویکان، بنده رفتم به بادکوبه. ایشان را ملاقات نموده مطالبه آنها را [شامل] گردن‌بند مشتمل به یکصد عدد اشرفی، گردن‌بند ... [ناخوانا] لیره ۴ عدد، لیره پنجابی [۱] عدد، دوهزار نقره ۲ عدد، گوشواره [۱] جفت، النگوی [النگو] طلای ساعت‌دار [۱] عدد، النگوی طلا [۱] جفت، انگشتر طلا ۳ حلقه، گل سینه طلا [۱] عدد، زنجیر ساعت طلا با مدالش [۱] عدد، نمود. در جواب فرمودند که آن‌ها را بالشوویکان برده‌اند. چنانکه در این بابت یک عریضه چند[ی] قبل به حضور مبارک ریاست کل داده شده و در آن وقت دست خطی به جناب دول خارجه مرقوم و آقایان هم چگونگی مراتب را به حاجی طرخان که مرکز و مجمع قونسول‌ها هست نوشته، تحقیق مراتب شده باشد. به موجب نوشته آقایان در مرکز مذکور جناب داود خان تشریف داشتند حقیقت نموده در جواب گفته بود که سپرده به قونسول بادکوبه. با قونسول بادکوبه گفتگو نموده شده، آقایان فرموده بودند در قونسولخانه است، باید شهادت‌نامه صاحب مال بشود، این که این مال مسترد شود. بنابر آن بنده دو نفر شاهد معتبر دارم و علاوه بر این سند به خط خود داود خان با مهر قونسولگری هم الساعه در دست دارم. هرگاه بنابراین که خود کمترین برود در بادکوبه این مال‌ها را بگیرم، غیر ممکن است به جهت این که آدم پیر، توانایی رفتن را ندارم و دوم این است که در وقت آمدن از روسیه دو نفر اولادم تلف شده، سیم آن است که از خود قونسول جناب داود خان اطمینان ندارم. علی هذا استدعا از مراحم ریاست کل آن است که بذل مرحمت فرموده، من باب مدد فی اله مقرر فرمایند که اموال امانتی کمترینان به اطلاع ریاست کل مسترد دارند. به دعاگویی وجود مبارک ریاست مشغول باشم.

فهرست عرض و استدعای کمترین، مشهدی محمدعلی تبریزی، منزل در دارالایتام

دارالایتام مشهدی محمدعلی

[حاشیه بالا]: عرایض ۳۰/۱۸/۱۰ [۱]

[حاشیه پایین]: به وزارت جلیله امور خارجه رجوع شود که در این باب اقدام نموده و اسباب آسایش متظلم

فراهم آید. تهران، ۱۳ عقرب ۱۳۰۱



وزارت امور خارجه

اداره ریسر دائره

مورخه ۱۴۰۱

نمبره ۲۱۸ / ۲۴۱۲

ضمیمه

۲۰۲
۱۱ / ۱۰ / ۲۰۲۰

۲۰۲۰ / ۱۰ / ۱۱
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

رقیبہ زینبہ نمبر ۱۳۰۳۰ راج تعظیم شہدہ مرحومہ ربیعہ صلیبہ کرد
شہدہ جواریہ شہزادہ ملا مظہر نظر رکھ کر دفعہ ۲۲۵۲ شمار
فد طوعی لے رہا ہے۔ است قبہ زکاتہ شہدہ مرحومہ در است خوراک
صالحہ ہا بت نایزہ توان تا کہ شہدہ رضیہ تو نے را با د قسیم نمود
کہ شہدہ مرحومہ در دولت سارہ خارجہ ہر جمعہ کند قلم است مطہر را ہر شہزادہ
عالی ہا ہے۔ تا ز مجبور قاونے در ہفتا حق خود رقم کند



پڑوش گاہ علوم انسانی و مطالعات
پرتال جاب ۱۰ - ۱۹

۱۶۰۰-۱
بعض امور حق خود رقم کند

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۷ / بہار ۱۳۸۹

[سند شماره ۹: نامه وزارت امور خارجه به رئیس مجلس شورای ملی در خصوص اظهارات مشهدی محمدعلی مینی بر لزوم اثبات حقانیت وی در دادگاه صالحه]

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

مورخه ۲ جدی ۱۳۰۱

نمره ۴۴۱۳/۳۱۸

ریاست محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

رقیمه شریفه به نمره ۱۳۰۳۰ راجع به تظلم مشهدی محمدعلی زیب وصول بخشیدید. سواد مشروحاً جوابیه مشارالیه ملاحظه شد، به طوری که در ضمن مراسله ۱۲۲۵۲ به استحضار خاطر عالی رسانیده است قبل از آن که مشهدی محمدعلی وراثت خود را در محکمه صالحه ثابت نماید، نمی‌توان ماترک مشهدی خلیل متوفی را به او تسلیم نمود. در صورتی که مشهدی محمدعلی به وزارت امور خارجه مراجعه کند، ممکن است مطلب را بهتر به مشارالیه حالی نمایند، تا از مجرای قانونی در احقاق حق خود اقدام کند.

[مهر:] وزارت امور خارجه

[حاشیه پایین:] به عارض اطلاع داده شود. ۱۳۰۱

[امضا: ناخوانا]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اسم نویسنده و تاریخ تحریر - ۱۳۰۱
اسم بانک نویس کفندہ و تاریخ تحریر
تاریخ امضای بانک نویس



مجلس شورای ملی

نمبر کتاب ثبت ۱۶۹۴
کارتن
نمبر های قبل
نمبر های بعد
دوسیمه
عدد ضمانت

اداره - دائره - تاریخ ارسال - تاریخ وصول

۱۳ - تاریخ ارسال - تاریخ وصول

قیود مهمه: لغذ - عنوان کاغذ - مقصد و عنوان پاکت - دفتر پیغام

مردم غیر متوجه در وزارت امور خارجه در شهر کابل در ۱۳۰۱
 برآید و قیود مهمه فراتر از این است که برای کارهای غیر متوجه
 بنده هم در خدمت وزارت امور خارجه در شهر کابل در ۱۳۰۱
 در خدمت وزارت امور خارجه در شهر کابل در ۱۳۰۱

پرتال جامع علوم انسانی

پیغام بهارستان / ۲۵، ۲، ۲، ش ۷ / بهار ۱۳۸۹

[سند شماره ۱۰: جواب مجلس شورای ملی به نامه مشهدی محمدعلی مبنی بر لزوم مراجعه وی به وزارت امور خارجه جهت اثبات حقانیت خود]

[نشان شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

تاریخ ارسال ۹ برج جدی ۱۳۰۱

عنوان کاغذ: مشهدی محمدعلی تبریزی مقصد و عنوان پاکت: دارالایتام

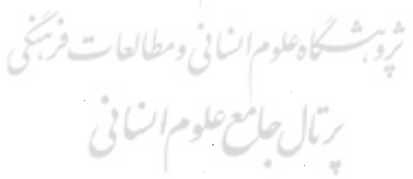
مراسله اخیر شما واصل به وزارت امور خارجه مراجعه شد. به طوری که در ضمن نمره ۷۲۲۵ جواب داده شده بدو بایستی وراثت خودتان را نسبت به ماترک مشهدی خلیل متوفی ثابت نموده سپس احقاق حق آن را بخواهید. چنانچه از وزارتخانه مزبور جواباً اطلاع می‌دهند، لازم است خود شما مستقیماً به آن وزارتخانه مراجعه نموده، موضوع مذکور را مدلل داشته در مورد حقانیت نتیجه حاصل نمایید. [امضا: ناخوانا]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعمیر مسجد جامع زاری تا ششمین ماه
 ۱۳۱۳ هـ - تعمیر مسجد جامع زاری
 تا هزاره پنجم از تاریخ
 ۱۳۱۳ هـ - تعمیر مسجد جامع زاری
 تا هزاره پنجم از تاریخ
 ۱۳۱۳ هـ - تعمیر مسجد جامع زاری
 تا هزاره پنجم از تاریخ

دردت همیشه در هر آنکه به او رسد در دلان تصفیه و روان
 ناسیه و در آنکه برکت، آری اینانی که در آن برکت و وضع او گمانی
 فرد قوی که باشد همچون دفعه در هر آن که توقف و در آنکه برکت
 تصویر که در آنست همیشه در هر آنکه در آنکه در آنکه در آنکه
 تصدیق و حکم آنچه که در هر آنکه در هر آنکه در هر آنکه در هر آنکه
 استخوان برکتی که در هر آنکه در هر آنکه در هر آنکه در هر آنکه
 ۱۳۱۳ هـ - تعمیر مسجد جامع زاری تا ششمین ماه
 ۱۳۱۳ هـ - تعمیر مسجد جامع زاری تا ششمین ماه
 ۱۳۱۳ هـ - تعمیر مسجد جامع زاری تا ششمین ماه
 ۱۳۱۳ هـ - تعمیر مسجد جامع زاری تا ششمین ماه



[سند شماره ۱۱: نامه محمدعلی تبریزی به مجلس شورای ملی، مبنی بر تقاضای استعلام از صادق‌الدوله، قونسول ایران در قفقاز در خصوص صحت ادعای وراثت خود]

مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

۱۳۰۲/۲/۱۳ آدرس محمدعلی دارالایتام شهر نو

محترماً معروض می‌دارد که جناب مستطاب اجل آقای صادق‌الدوله که از مأمورین وزارت جلیله امور خارجه هستید، سال‌های سال در ولادی قفقاز قونسول و نماینده دولت و سرپرست ما ایرانیان بوده‌اند، از هویت و وضع زندگانی فدوی محمدعلی کاملاً مسبوق و فعلاً در طهران تشریف دارند، مستدعی است مقرر فرمایید که وزارت جلیله خارجه مسئله وراثتی و هویت فدوی را از ایشان تصدیق و حکم آسودگی چاکر صادر شود و علاوه بر این عرض چاکر این است تاکنون مدت یک سال هم نیست که تقلاً در خصوص خاتمه همین مسئله دوندگی [دوندگی] می‌نمایم. بعد از خسارت‌های زیاد و تلف شدن دو نفر اولاد، انجام صادر نشده که فارغ بال و آسوده به دعاگویی وجود محترم ارکان مجلس مقدس شوم. در صورتی که حالیه در دارالایتام می‌باشم، هرگاه از دارالایتام در حکم امروز چاکر را اخراج نمایند، یک شاهی ندارم که خرج یومیه نمایم با چهار سر کلفت هرگاه عمل بنده خاتمه نشود، لابدم که این چند نفر را با خودم تلف نمایم. در این صورت در نزد بنده مستول نخواهم شد استدعا بر این است که جواب عریضه را مرحمت فرمایید که موجب آسودگی چاکر شود.

[حاشیه بالا:] عرض و فهرست مشهدی محمدعلی تبریزی خواهرزاده مشهدی خلیل تبریزی است.

[حاشیه سمت راست وسط:] [۱۳۰۲/۲/۱۷]

[حاشیه راست پایین:] به وزارت خارجه فرستاده شود، ۳ ثور ۱۳۰۲، [امضا: ناخوانا]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اسم نویسنده و تاریخ اثر	۱۳۲۲
اسم پاك نویس كنده و تاریخ	// //
تاریخ امضاى پاك نویس	



نمبر کتاب ثبت	۱۹۲۵
کارتن	دوسیه ۱۱
نمبرهای قبیل	۱۸
عدد ضمام	۱۸

تاریخ ارسال: ۲۹ بهمن ۱۳۰۶
 قیود مهمه: الف چه مرحله بتوسط گه
 عنوان کاغذ: مقصد و عنوان پاکت
 ندرت: جلد چهارم

(۷)
 شهر جمیع نام بنیاد باور بارگ شهر قزوین نام ثبت بهر واسطه جریب ۴۴۱۲/۳۱۱
 هم میران ۱ آفتاب درود و دران که از آن وقت تا امروز که شهر قزوین است که فیروز در
 پس از کمر دردموند ثبت قرار زندگانی بهر لایحه و اطلاع را هم از بیم بهر سندی در شهر قزوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

[سند شماره ۱۲: نامه مجلس شورای ملی به وزارت امور خارجه و مبنی به رسیدگی به شکایت محمدعلی]

[نشان شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

تاریخ ارسال ۲۹ برج ثور ۱۳۰۲

عنوان کاغذ: وزارت جلیله امور خارجه

مشهدی محمدعلی راجع به ادعای ماترک مشهدی خلیل نام، تلگرافی نسبت به سواد مراسله جوابیه
نمره ۴۴۱۳/۳۱۸ مورخه دویم جدی ۱۳۰۱ توضیحاتی داده، سواد آن لفأ ارسال می‌شود تا مراتب را
مستحضر و تحقیقات کافیه در اطراف این امر به عمل آورده، و در حدود حقانیت، قرار رفع شکایت حصول
[و] آسایش متظلم را [فراهم آورند و] از نتیجه مجلس شورای ملی را مستحضر دارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



وزارت امور خارجه

تہ نامہ برائے مہتمم سرکاری مڈیا

ادارہ: ڈائریہ
مورخہ: ۲۱ جولائی ۱۹۴۲ء
نمبر: ۲۱۱
ضمیمہ:

دو مرتبہ مورخہ ۲۹ جولائی ۱۹۴۲ء کو راجہ مہتمم نے
زیر عنوان 'میرزا مہتمم کے راجہ' کے تحت ایک تقریر
پڑھنے کے لیے شہر ہزارت سے ایک تقریر پڑھنے اور
راجہ مہتمم کے بارے میں مزید حقائق فراہم کرنے کے لیے

پڑوسی گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامعہ علوم اسلامیہ

۱۶

۱۱

۱۹۴۲ء

راجہ مہتمم کے بارے میں مزید حقائق فراہم کرنے کے لیے

[سند شمارهٔ ۱۳: جوابیه وزارت امور خارجه به مجلس شورای ملی در خصوص پیگیری شکایت مشهدی محمدعلی]

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

مورخه: ۳ جوزا ۱۳۰۲ [۱]

نمره: ۶۱۳۲

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکة

مرقومه محترم مورخه ۲۹ برج ثور ... [ناخوانا] نمره ۱۹۴۲۵ راجع به مشهدی محمدعلی زیب وصول بخشید، جواباً خاطر محترم عالی را قرین استحضار می‌دارد که در تعقیب تعلیمات صادره به نمایندگی سیاسی تفلیس تلگراف شد که اشیاء مشهدی محمدعلی را فوراً ارسال دارند و راجع به هويت مشارالیه هم از آقای صادق‌الدوله توضیحات خواهد شد.

[مهر: وزارت امور خارجه]

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا: ۳۰۲/۳/۵] [۱]

[حاشیه راست پایین: ۲/۳/۶] [۱۳۰]، به عارض اطلاع دهند ۸ جوزا ۱۳۰۲ ... [ناخوانا] الموسوی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی